



۲۰۱۷/۱۰/۰۲

میر عنایت الله سادات

سیستم مافیایی در افغانستان

سالهاست که فساد اداری، دولت افغانستان را در میان دول فاسد جهان، به مقام اول ارتقاء داده است. درین ارتباط گاه گاهی از جانب حکومت، هوشدار هایی داده شده و کمیون هایی هم بخاطر مبارزه علیه فساد ساخته میشود. ولی نتیجه ای عملکرد آنها، محسوس نیست. چرا؟؟؟ علت در کجاست؟ چرا علی الرغم اعتراضات ملت افغانستان و تهدید های کشور های کمک کننده، مبنی بر قطع کمک های شان، این پدیده ای شوم هنوز هم در حال قوت یابی است؟

پاسخ به این سؤال، وابسته از دستیابی به اسناد و ارقام دقیق است. تا پس از بررسی همه جانبه، در برابر این سؤالات، جوابات روشن ارائه شده بتواند. اینکه چه وقت این امکان مساعد میشود نمی توان پیش گویی کرد. اما نباید تا آن زمان منتظر ماند که زمینه دست یابی به این همه اسناد و اوراق برای محققان فراهم شده بتواند. تا فرا رسیدن آن روز، همین حالا می توان محتوای این پدیده را فی المجموع و به طور کلی مورد دقت و تحلیل قرار داد. متکی بر همین روش، نوشته ای حاضر در حدود امکانات دست داشته، نگارش یافته و کوشش میشود تا علل، ابعاد و اثرات این پدیده، شناسایی و مورد مذاقه قرار بگیرند.

با دیدن کلمه ای "مافیا" در عنوان این مقال، شاید اخبار و فلم های مافیایی در کشور های مشخص که خاستگاه اولی این پدیده بودند، در ذهن انسان تداعی شود و ارتباط این ساختار در افغانستان، با همان کشور ها، جستجو گردد. در حالیکه واقعیت به گونه دیگر است. شبکه ای مافیایی با مساعد شدن فرصت ها و به میان آمدن زمینه ها، می تواند مبتنی بر عوامل موجود در هر یک از کشور ها، به طور جداگانه به میان آید. هدف گروه های مافیایی، کسب ثروت بوده که برای حصول و حفاظت آن، آنها تلاش میورزند، تا قدرت را در اختیار داشته باشند.

با پیدایش یک گروه مخفی جنایت پیشه در اواسط قرن نوزده در شهر "سیسل"، اصطلاح "مافیا" برای بار نخست در کشور ایتالیا ظهور کرد و سپس از آنجا به گوشه و اکناف جهان خبر ساز شد. مشابه این شبکه، چندین دهه بعد تر در ایالات متحده امریکا، تشکیلات پر قدرت و بی سابقه مافیایی، بر مبنی علت خاص ظهور یافت.

پس از آنکه، دولت مرکزی قانون منع فروش مشروبات الکلی را در سال ۱۹۲۰ به تصویب رسانید. گروه های تبهکار، از انفاذ این قانون جدید، سوء استفاده نموده و از کشور های همسایه، مشروبات الکلی را به طور قاچاق وارد ایالات متحده امریکا کردند. به خاطر تقاضای زیاد به مشروبات، آنها متاع قاچاقی شانرا به قیمت بلند عرضه کرده و ازین مدرک، ثروت های هنگفتی به دست آوردند. افزایش ثروت، توأم با مقابله علیه دولت و تشدید رقابت با شبکه های دیگر مافیایی بود. لذا هر یک آنها، به منظور محافظت ترافیک و فروش مشروبات قاچاقی شان، دسته های مسلح خود را ایجاد نمودند. این امکانات به آنها فرصت داد تا در محیط ماحول خویش، روش دوگانه تخویف و تطمیع را در پیش بگیرند. شبکه های متشکل شده مافیایی با همین دو روش در داخل نظام رخنه کرده و اثرات ناگواری را بر اوضاع امنیتی برخی از شهرها، در ایالات متحده امریکا به میان آوردند. تأثیرات تخریبی و منفی این پدیده بر عرصه های مختلف زندگی امریکائی ها، سالها بعد، از جانب رسانه ها بررسی گردیده است که فلمهای ساخته شده ای هالیوود درین ارتباط خیلی بازگو کننده اند.

گرچه دولت مرکزی امریکا، بعد از یک دهه، قانون منع مشروبات الکلی را پس گرفت. ولی شبکه های ایجاد شده مافیایی، قدرت شان را در عرصه های پر درآمد دیگر جابجا کرده و به این ترتیب به نقش مخرب شان در جامعه ادامه دادند.

با معرفی مختصر پیدایش و ظهور شبکه های مافیایی در اروپا و امریکا، اکنون می توان مشابهنه ها و وجهه مشترک میان گروههای فساد پیشه در افغانستان و شبکه های خارجی مافیایی را به آسانی دریافت

د پائو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پاډوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

چگونگی پیدایش شبکه های مافیایی در افغانستان:

در افغانستان گروه های قاچاقبر و مؤلدين مواد نشه آور در گذشته هم وجود داشت. ولی امکانات آنها محدود بوده و در آن سطح قرار نداشتند که در دولت نفوذ کرده و یا دسته های مسلح داشته باشند. آنها در میان جامعه به حالت منزوی زیست میکردند. تریاک در بعضی محلات دور افتاده و آن هم در محدوده تقاضای مستهلکین محلی زرع میشد. همینطور، چرس به پیمانۀ کوچک در ولایات مختلف کشت میگردد. تا آنکه سیاحین خارجی، منحیث متقاضیان جدید، به آن علاقه گرفته و در دهۀ شصت میلادی هنگام بازدید شان از شهر های بزرگ افغانستان، این ماده را استعمال میکردند. در دیگر عرصه ها، مانند دستبرد معادن، سؤاستفاده از پروژه های انکشافی، توريد ادویۀ غیر مجاز، خرید و فروش اسلحه و امثال آن، فساد در سطح انفرادی و آن هم به پیمانۀ خیلی کوچک قرار داشت. اما جنایات سازمان یافته و به میان آمدن شبکه های مافیایی، توأم با شدت گرفتن جنگ سرد و مبدل ساختن افغانستان به کانون تشنج، آغاز یافت. این شبکه ها در عرصه های مختلف بوجود آمدند که بایست هریک آن به طور جداگانه بررسی شود.

۱. تسلیح و تمویل مخالفین دولت از طریق دو کشور همسایه افغانستان:

با سقوط رژیم شاهی (۱۹۷۳) کار تسلیح و تمویل مخالفین دولت جمهوری افغانستان، در پاکستان آغاز شد. این پروسه پس از رویداد هفت ثور ۱۹۷۸، توجه و علاقمندی هر دو ابر قدرت آنوقت را در امر تقویۀ دولت و مخالفین آن بالا برد. سقوط رژیم شاهی و به میان آمدن ج. ا. در ایران، به تشنجات آغاز یافته، دامن زد. این وقت است که گروه های استفاده جو در زیر شعار های مذهبی بدور تمویل کنندگان عملیات های مسلحانه، علیه دولت افغانستان حلقه زده بودند.

آنها فهرستی از ضرورت های همقطاران شانرا به پول و اسلحه، به سردمداران خارجی خود ارائه میکردند. اما اکثر این خواسته ها، بیشتر از واقعیت، پیش کش شده و مبالغه می بودند. ولی تمویل کنندگان نمی خواستند با افشاء مبالغه های مراجعین شان، همکاری آنها را از دست بدهند. به این ترتیب خود به خود زمینه ای آن بوجود میآمد، تا گروههای استفاده جو از تفاوت درآمد و مصارف عملیات ها نفع برده و آنرا به حسابات شخصی خویش منتقل سازند. فروش سلاح های بدست آورده، دریافت معاش جنگجویان خیالی و اخاذی های گوناگون دیگر، آنها را مالک ثروت هایی هنگفتی ساخت. همین سؤاستفاده ها، در طی یکنیم دهه، آنها را به جای و جایگاه های بخصوص زیر نام رهبر و قوماندان رسانید.

با هجوم شبکه های تنظیمی به سال ۱۹۹۲ در شهرها و از هم پاشی اداره دولت، زمینه های چور و چپاول دارایی های عامه و افراد، مساعد تر شد و این چهره ها، افراد مسلح تحت کنترل خودرا بیش تر از پیش در قالب شبکه های مافیایی درآوردند. گرچه با تسلط طالبان، عرصۀ تاخت و تاز آنها محدود گردید. تا آنکه با سقوط طالبان و جابجا شدن قوتهای ناتو، نفس تازه یافتند.

۲. دریافت قرارداد های خارجی از طریق نفوذ در اداره دولت:

این بار، کمک های باد آورده خارجی بدون گذار از فلتر های پاکستان، به افغانستان سرازیر شد. دولت های کمک کننده، با میانجگری ادارات دولتی و یا بطور مستقیم، قرارداد ها را با اشخاص و شرکت های افغانی و خارجی بستند. با بکار برد هر دو راه و طریق، دولتهای خارجی به چهره های معلوم الحال و آشنایان سابق خود فرصت زیاد دادند. این زمینه سازی سبب شد، تا بخش های بزرگ از کمکهای انکشافی به افغانستان، در اختیار آنها قرار بگیرد. به این ترتیب چهره های مورد نظر امداد دهندگان، امکان آنرا بدست آوردند تا قسمت اعظم این کمک ها را بالوسیلۀ شبکه های مافیایی شان دزدیده و صاحب ملکیت های افسانوی در داخل و خارج شوند. دادن قرارداد ها به این چهره ها، هدفمندانه بود. گفته میشود که با این کار، دول کمک کننده، می خواستند تا یک طبقۀ سرمایدار وابسته به خود شان را در افغانستان عقب نگهداشته شده، بوجود آورند. تا مانند گذشته از گروههای سنتی (قومی و مذهبی) وابسته نباشند. به افادۀ خود آنها، ایشان میخواستند که "ملت سازی" کنند. بی اعتنا به این اصل که "ملت سازی" رسالت خود یک ملت بوده و بدست خارجی ها ساخته شده نمی تواند. آنها نمی فهمیدند که بعوض این مثنی پنهانی

د پانو شمیره: له ۲ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

شان، سیستم مافیایی تقویت می شود. واقعیت این است که بخش اعظم این پولها، به خارج انتقال یافته و به حسابات همین دار و دسته مافیایی در جاهای مورد نظر سرمایه گذاری شده است.

۳. دستبرد معادن

سنگهای قیمتی افغانستان از قدیم الایام شناسی شده بود. مصری ها در مجسمه چشمان "آختاتون" و ملکه "نفریتست" از لاجورد افغانستان، استفاده کرده اند. افغانستان بخاطر کوهستانی بودنش، دارای ذخایر متنوع میباشد. ۱۴۰۰ نوع سنگ معدنی درین کشور شناسایی شده است.

پس از انقلاب صنعتی، کاوشگران غربی در لباس های مختلف و چهره های گوناگون، تلاش به شناسایی و کشف معادن افغانستان کردند. در حالیکه خود افغانها با شیوه های عنعنوی، تنها به استفاده بعضی سنگهای قیمتی علاقمند بودند. تا اینکه در آغاز دهه پنجاه قرن گذشته، شعبات مختلف در وزارت معدن ایجاد شد. تا به کمک مشاورین خارجی، معادن افغانستان را بصورت دقیق شناسایی نمایند.

پس از مبدل شدن افغانستان به کانون تشنج، مخالفین دولت ابتداء به استخراج خودسرانه معادن در پنجشیر، جگدک، بدخشان و نورستان مبادرت ورزیدند. آنها احجار قیمتی (زمرد، لاجورد، یاقوت، لعل و طلا) را به پاکستان برده و به قیم نازل بفروش میرساندند. به این ترتیب معادن افغانستان، مورد دستبرد اشخاص و گروههای مافیایی قرار گرفت. این سرقت تا حال ادامه دارد. گروههای مافیایی بخاطر تسلط بر آن معادن که در دسترس دولت نیست، باهمدیگر شان برخورد های خونین مینمایند. اگر این معادن در ساحه تحت کنترل طالبان باشد، شبکه های مافیایی از یکطرف به آنها باج داده و از جانب دیگر به کمک عمال نفوذی شان در دولت، زمینه انتقال این احجار را به خارج از کشور فراهم میسازند.

زورمندان فاسد در اداره دولت از یکطرف به قاچاقبران احجار قیمتی مساعدت میکنند و از جانب دیگر برای بستن قرارداد های غیرعادلانه و ضد منافع ملی افغانها، با کمپنی های خارجی، تلاش میورزند. ایشان با استفاده از تعریف " سیستم اقتصاد بازار آزاد" در قانون اساسی، قرارداد های استفاده از معادن را با اشخاص و کمپنی هایی عقد مینمایند که همیشه در چپاول معادن نقش داشته اند.

اخیراً وزارت معادن، ۴۵۰ قرارداد استخراج معادن را در ۳۴ ولایت افغانستان روی دست گرفته است که تا کنون ۸۶ قرارداد آن به امضاء رسیده است. معادن افغانستان ثروت ملی شهروندان کنونی و نسل های آینده ای این سرزمین است و باید مطابق به منافع ملی آنها استخراج گردد، نه اینکه در اختیار غارتگران قرار گرفته و با عقد قرارداد های اسارت بار، مشکلات عدیده، برای نسلهای آینده به ارث گذاشته شود.

۴. غصب ملکیت های عامه و خصوصی

طبق اظهارات وزیر اسبق انکشاف شهری تا سال ۲۰۰۸، بیش از سه ملیون جریب زمین از جانب زورمندان غصب شده بود. طبیعی است که این رقم در سالهای بعدی افزایش یافته است. مسئولین کمسیون نظارت ولسی جرگه بر اعمال حکومت، شمار غاصبین این زمین ها را در سال ۲۰۱۳ به تعداد پانزده هزار نفر شناسایی نمود. اما از افشای اسمای آنها به رسانه ها اباً ورزید. زیرا درین فهرست بلند پایه های دولت و وکلای ولسی جرگه نیز شامل بودند.

غصب زمین، شامل ملکیت های خصوصی و عامه بوده و ناتوانی دولت سبب میشود که این زمین ها دوباره به مالکین اصلی آن مسترد نشود. همین ناتوانی باعث میشود که مقامات دولتی، حتی به غصب ملکیت های دولت در داخل پایتخت، پایان داده نتوانسته اند.

جعل اسناد و مدارک برای غصب ملکیت های دولتی و رسمیت بخشیدن آن بالوسيله شبکه های مافیایی در ادارات قضایی کشور، ایجاد شهرک های رهائشی و اعمار ساختمان های بلند منزل در مناطق مختلف توسط زورمندان، گره بزرگی است که گشودن آن آسان نیست.

پرسش اساسی این است که آیا دولت فعلی می تواند، داد مردم و دولت را از مافیای زمین بستاند و حق را به حقدار بسپارد؟ در پاسخ به این سوال چنین معلوم میشود که دولت با صدور فیصله ها و اعلامیه ها، سیاست " تسکین

دهی" را در پیش گرفته است. تا وقتی که عمال مافیای در دولت جابجا باشند، نمی توان امیدوار بود که دولت قاطعانه عمل بتواند.

۵. قاچاق مواد مخدر

روابط ذات البینی میان قاچاق مواد مخدر و بی امنیتی در کشور را همه ارباب ذی صلاح داخلی و خارجی میدانند. آنها خوب میدانند که جلوگیری ازین پدیده ضد بشری، رسالت هر انسان با وجدان است. ولی متأسفانه عملکرد مقامات مسئول در رابطه به زرع، انتقال و توزیع مواد مخدر، در افغانستان و سطح جهانی، نه تنها قاطعانه نیست بلکه سوال بر انگیز هم میباشد. بر طبق اطلاعاتی سازمان ملل متحد، همین اکنون ۳۰ میلیون انسان از اختلالات ناشی از استفاده مواد مخدر در جهان رنج میبرند و از جمله ۱۹۰ هزار آنها، زندگی شان را سالانه از دست میدهند.

افغانستان در تولید تریاک، سهم بزرگ داشته و هنوز هم ۹۰ فیصد تریاک جهان در این سرزمین کشت می شود. تولید مواد مخدر از سال ۲۰۰۲ به بعد در حال افزایش است. در سال ۲۰۱۶ مقدار مواد مخدر تولید شده در افغانستان بصورت تخمین به ۴۸۰۰ تن ارتقاء کرد. مساحت زمین های تحت زرع تریاک، طبق احصائیة سال ۲۰۱۴ به ۲۲۴ هزار هکتار زمین میرسد. ولایت هلمند با زرع هشتاد هزار هکتار در صدر جدول ولایات تولید کننده قرار دارد.

سوال اساسی این است که سرچشمه و ریشه تولید و توزیع مواد مخدر در اختیار کی است؟ کی در عقب پرده این عمل ضد انسانی قرار دارد؟

اگر مافیای مواد مخدر از قدرت و نفوذ مؤثر در دولت افغانستان بی بهره می بودند، به هیچ وجه، زرع مواد مخدر تا آن سطح ازدیاد نمی یافت که این کشور در سطح جهانی به مقام اول منسوب شود. از همین جهت، شبکه های داخلی و خارجی مافیایی، پیوسته تلاش می نمایند تا نفوذ شانرا در ادارات دولتی افغانستان حفظ نمایند. زیرا ازین طریق، قاچاقبران را حمایت نموده و ترافیک مواد مخدر را در زیر نظر داشته می باشند. اوضاع نا امن کنونی، زمینه مساعد برای قاچاق بران بوده و از همین جهت، شبکه های مافیایی به حفظ حالت موجود علاقمند اند.

در محلات که زیر کنترل طالبان قرار دارند، شبکه های مافیایی در زد و بند با آنها، قاچاق شان را به پیش می برند. طالبان یک مقدار پول را بنام عشر و ذکات از آنها تحویل گرفته و مسیر انتقالات مواد مخدر را برای آنها باز نگه میدارند.

اگر دولت افغانستان توان آنرا میداشت که اداره دولت را از وجود عمال شبکه های مافیایی تصفیه کرده و شرکای خارجی آنها را، افشاء کند، امروز این معضله حل شده می توانست.

نتیجه: چطور می توان این سیستم مافیایی را مضمحل ساخت؟

اولین ارزیابی از بررسی مختصر عرصه های فوق الذکر، این واقعیت را بازگو مینماید که ضعف دولت و پر قدرت بودن شبکه های مافیایی، علت و معلول همدیگراند. اگر یگ دولت ملی و قدرتمند وجود میداشت، پیدایش شبکه های مافیایی در جامعه ناممکن می بود. همینطور هر قدر، افراد و نیروهای ملی کمتر در دولت سهیم باشند، به همان اندازه زمینه های جابجا شدن شبکه های مافیایی در ساختار دولت فزونی میآید.

دولت شعار مبارزه با فساد را میدهد. اما فاسد های معلوم الحال را مؤاخذه و دستگیر نمی کند. آنها زورمند بوده و پایه های سیستم مافیایی را در افغانستان میسازند. مسئله ای کابل بانک، مکتب های خیالی، معلمان خیالی، سربازان خیالی، قرارداد های غیر قانونی با تیکه داران داخلی و خارجی، همه و همه، به ظاهر مطرح شد و امید هایی را از طریق رسانه ها زنده ساخت. ولی مراحل تفتیش و محکمه هیچ یک از مجرمین، برطبق قانون تعقیب نگردید.

نفوذ پر قدرت مافیای در دولت، عرصه را به دولتمداران اصلاح طلب تنگ ساخته، قدرت تصمیم گیری و اجرایی آنها را نامحسوس میسازد. وضعیت موجود، این آگاهی را به اصلاح طلبان بازگو میکند که: به عوض نوشتن بر روی یخ و گذاشتن در زیر آفتاب، با نیرو های مردمی و چهره های ملی همدست شده و این شبکه ها را به زودی قلع و قمع نمایند.

د پانوی شمیره: له ۴ تره

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

تا حال رهبران حکومت ملی، فقط و فقط با بکاربرد الفاظ زیبا کوشیده اند تا مردم را آرامش بدهند. اما مردم که ناهنجاری و چپاول را با گوشت و پوست خود احساس میکنند منتظر اقدامات عملی اند. شبکه های مافیایی همزمان با ترویج فساد، فرهنگ غارتگرانه خودشان را پخش میکنند. پیش از آنکه فرهنگ زیبا و کهن سرزمین ما، آلوده با فساد شود، باید جلو آنرا گرفت. تسلط مافیا نمی گذارد که نیروی کار در جهت سالم اجتماعی بسیج گردد. زیرا مافیا، نه تنها در دولت با نفوذ اند، بلکه در سطح محلات نیز افراد و گروههای غیر مسئول و مسلح را در اختیار دارند. به این معنی که از قرارگرفتن ساختار های اقتصادی در استقامت پاکسازی و بازسازی جلوگیری مینماید. همانطوریکه در عنوان این مقال مطرح شده است، می توان اینطور نتیجه گرفت: شبکه های پر قدرت مافیای در وطن ما طوری به هربخش و استقامت توسعه یافته و آنقدر در دولت نفوذ کرده اند که حالا به سادگی می توان از یک " سیستم مافیایی در افغانستان " حرف زد.

پایان

د پانو شمیره: له ۵ تر ۵

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني دلېکنيزې بنې پزوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکي په څیر و لولئ